



۲۰۱۸/۰۳/۰۶

ظریف امین یار

داکتر اشرف غنی اتکای سی ساله را در سه سال از بین برد

افغانستان از منظر جیو اقتصادی و جیوسیاسی از موقعیت فوق العاده مهم در قلب آسیا برخوردار است. هرچند افغانستان همواره از همین نکته آسیب پذیر واقع گردیده است و پیوسته در امر استفاده معقول از موقعیت جغرافیایی خود مواجه به شکست شده است اما اکنون بعد از انتظار سال های متمادی دیده می شود که تیورسن پراگماتیک افغانستان با درک درست از موقعیت و وضعیت افغانستان و با استفاده از کارت های اقتصادی مبتنی بر تیوری های پراگماتیک تلاش دارد تا حیثیت سیاسی و اقتصادی افغانستان را در منطقه و جهان احیا نماید.



با ایجاد حکومت دموکراتیک افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان توأم با حضور ایالات متحده امریکا و ناتو دو دیدگاه متفاوت ذیل برای احیای اقتصادی و دولت سازی در افغانستان سر میز مذاکره گذاشته شده بود.

۱. دیدگاه نخست این بود که افغانستان حد اقل برای یک دهه نیاز ندارد تا در مورد خودکفایی اقتصادی و مطرح کردن پروژه های بزرگ اقتصادی تلاش به خرج بدهد. تحلیل امریکایی ها و سایر متحدان آن در آن زمان این بود که افغانستان نباید قبل از احیای سیاسی در مورد خودکفایی اقتصادی و احیای حیثیت ترانزیتی و جغرافیایی نگران باشد. به خاطری که آنها فکر می کردند مطرح کردن چنین موضوعات می توانست به مشکلات دولت افغانستان بیافزاید و یا هم بروز مشکلات بزرگ در آن زمان می توانست باعث نابودی نظام قبل از ایجاد آن شود. امریکایی ها می گفتند: "وقتی ایالات متحده امریکا تعهد پایدار برای کمک و یاری با کابل دارد، دیگر نیازی وجود ندارد کابل در ارتباط به مسایل اقتصادی، وقت خود را ضایع کند.

۲. دیدگاه دوم برخلاف دیدگاه نخست بر خودکفایی اقتصادی از همان آغاز تلاش برای دولت و ملت سازی در افغانستان تأکید می کرد. این دیدگاه تولید ذهنیت یک پیرمرد آکادمیسین، استاد پوهنتون های متعبر نظیر جان هاپکینز،

کالیفورنیا برکلی و اقتصاددان مشهور بانک جهانی داکتر اشرف غنی بود. هرچند در آن زمان داکتر غنی از حمایت تعداد بسیار اندک تکنوکرات ها برخوردار بود و نظریات وی را کمتر اشخاص درک می کردند اما امروز با وجودی که هنوز هم کمتر اشخاصی وجود دارد که تیوری های داکتر اشرف غنی را درک کند او به عنوان رئیس جمهور منتخب کشور این فرصت را یافته است تا تیوری های خود را عملی کند و در این کار تا حد زیاد به موفقیت ها نیز نیل یافته است.

داکتر اشرف غنی که دارای تحصیلات عالی در حوزه اقتصاد، سیاست و بشرشناسی است و تجربه کافی به عنوان اقتصاددان در بانک جهانی دارد، به خوبی از درد اتکای اقتصادی بالای کشورهای خارجی آگاهی دارد. او می دانست و می داند که هیچ کشوری نمی تواند بدون داشتن استقلال اقتصادی از استقلال کامل سیاسی برخوردار باشد. او اقتصاد را اصالت می دهد و اهداف سیاسی را می خواهد از راه محوریت بر اقتصاد به دست بیاورد. او اعتقاد دارد اقتصاد و سیاست باید باهم برای تحقق اهداف دولت سازی در کشورهای شکست خورده استفاده شود. فکر داکتر غنی اقتصادی-سیاسی است و همواره با حرکات خود، مردم را متعجب ساخته است. او خوش دارد متفاوت بیانیشد و برای موفقیت تیوری های خود از تمام امکانات، کارت های سیاسی و منابع اقتصادی و سیاسی استفاده کند. باوجودی که داکتر اشرف غنی نگرش انقلابی، رومانیک و تیوریک دارد، وی به خوبی توانسته است در بسیاری موارد موفق باشد. وقتی داکتر اشرف غنی زمام امور افغانستان را از حکومت کرزی به دست گرفت در وضعیت خوب و مطلوب قرار نداشت.

- دولت خزانه و منابع مادی نداشت،
- بحران انتخاباتی وضعیت سیاسی کشور را برهم زده بود،
- کمک های خارجی به صورت وسیع کاهش یافته بود،
- اکثریت نیروهای نظامی امریکایی و ناتو افغانستان را ترک کرده بودند.

همچنان توجه جهان از قضیه افغانستان به سوی کشورهای دیگر معطوف شده بود و طوری معلوم می شد که افغانستان یک بار دیگر در زمان نادرستتها رها شده باشد. آن زمان بزرگترین هدف بقای نظام و افغانستان، نه مسایل دیگر بود. اما یک شخص مسن در این همه کشمکش ها، بحران و تهدید ها آمد و در طی سه سال بدون وقفه ۱۶ ساعت در روز کار کرد و نه تنها بقای نظام را قطعی ساخت بلکه چنان بازی کرد که همه معادلات سیاسی را در منطقه تغییر داد و حیثیت جغرافیای افغانستان را یک بار دیگر در منطقه به سوی احیا برد.

وقتی داکتر اشرف غنی به عنوان رئیس جمهور کشور آغاز به کار کرد اولویت نخست او در بحث اقتصادی ختم اتکای اقتصادی افغانستان بالای پاکستان و ایجاد بدیل (الترناتیف) اقتصادی قابل اعتماد و اقتصادی بود.

داکتر اشرف غنی می دانست که اتکای اقتصادی بالای پاکستان می تواند بالای کابل فشارهای سیاسی وارد کند و در آن صورت کابل نمی توانست تمام تصامیم سیاسی خود را به طور خود مختار عملی کند. او بیشتر از هر پروژه دیگر بالای "چابهار" کار کرد و رویای "چابهار" را به یک حقیقت مبدل ساخت که آن را می توان یک دست آورد تاریخی برای افغانستان دانست. این کار هرگز ساده نبود، به خاطری که در حین زمان کسب رضایت دولت هندوستان و ایران

در چنین وضعیت آسان به نظر نمی خورد. اما داکتر اشرف غنی با مطرح کردن اینکه افغانستان نقطه اتصال اقتصادی برای آسیا خواهد بود عملاً تلاش کرد تیوری تضاد منافع اقتصادی را در منطقه خنثی کند.

او گفت:

"افغانستان به عنوان قلب آسیا توانایی آنرا دارد که نقطه منافع اقتصادی آسیا باشد."

او با اتخاذ رویکرد مؤفقانه در تعامل با کشورهای منطقه و جهان توانست نتایج مطلوب به دست بیاورد که یکی آن ختم اتکای اقتصادی پاکستان است.

او بارها گفت که حالا فصل همکاری و همگرایی در منطقه فرا رسیده است و افغانستان بیش از این نمیخواهد در انزوا باشد.

او گفت:

"همکاری و همگرایی منطقی به نفع همه کشورهاست."

او برای اولین بار بعد از حکومت سردار محمد داؤد خان ثنوری برد برد همگرایی اقتصادی منطقی را معرفی کرد. اشرف غنی با درک درست از سیاست خارجی برای حفظ حاکمیت، و دفاع از موجودیت و تأمین منافع افغانستان توانست دست آوردهای ملموسی را رقم بزند.

او در هر دو بخش سیاست خارجی یعنی بخش ثابت و بخش متغیر بسیار دقیق بازی کرد و تلاش نمود حیثیت به باد رفته افغانستان را دوباره احیا کند.

در جریان حکومت کرزی و همچنان در اوایل حکومت داکتر غنی وقتی شما از کسی سؤال می کردید: آیا ممکن است افغانستان از اتکای اقتصادی بالای پاکستان رهایی یابد؟ عموماً پاسخ منفی می بود! حتی اقتصاددان و آگاهان کشور نیز تصور نمی کردند که به این زودی، روزی فرا خواهد رسید که ما دیگر بالای پاکستان از لحاظ اقتصادی متکی نخواهیم بود. اما اینکه این رویای افغانستان فقط در سه سال حکومت داکتر اشرف غنی به دست آمد واقعاً به دور از تصور بود.

صائب نظران و آگاهان داخلی و خارجی (بخصوص پاکستانی ها) حیران هستند که داکتر اشرف غنی چگونه توانست اتکای سی ساله اقتصادی افغانستان بالای پاکستان را در ظرف فقط سه سال حکومت که درگیر مخالفت های شدید داخلی هم بود؛ از بین برد. لیکن وقتی حیثیت و وقار جهانی داکتر اشرف غنی و عملکرد سه ساله او را بررسی میکنند آنها بیشتر نگران آینده کشور خود می شوند و به توانایی و ظرفیت سیاسی و اقتصادی داکتر غنی تن میدهند.

داکتر اشرف غنی با سیاست های موفق اقتصادی و تیوری های انقلابی خود اینک توانست حدود ۵۰ درصد تجارت با پاکستان را کاهش دهد. این دستاورد از یک جانب ختم اتکای سی ساله افغانستان بالای پاکستان را نشان می دهد و از جانب دیگر ضربه اقتصادی بزرگ بالای اقتصاد متزلزل پاکستان وارد می کند. در حالیکه ظرفیت تجارت بین افغانستان و پاکستان به راحتی می تواند تا ۵ میلیارد دلار امریکایی در یک سال بالغ گردد اما اکنون در طی دو سال از ۲,۷ میلیارد دلار به ۱,۲ میلیارد دلار امریکایی سقوط کرده است. از دست دادن بازارهای افغانستان برای پاکستان بر وضعیت اشتغال و کار و بار در آن کشور تأثیر خیلی منفی داشته است و اقتصاد مردم آن کشور را متضرر ساخته

است. هر چند کاهش تجارت با پاکستان تأثیرات منفی بالای وضعیت اقتصادی افغانستان نیز گذاشته است اما ارزش آن به اندازه پاکستان نیست. چیزی که برای افغانستان تا دیروز رویا به نظر می رسید آن را امروز تیوریسین پراگماتیک افغانستان به عمل مبدل ساخته است. اما متأسفانه هنوز هم مردم افغانستان ارزش رئیس جمهور خود را نمی دانند و بالای آن برجسپ های احساسی و غیر منطقی وارد می کنند. این در حالی است که همه کشورهای خارجی از سیاست موفق خارجی داکتر اشرف غنی یاد می کنند اما در داخل کشور ما هنوز هم مردمی وجود دارد که دنبال تفکر پیر بغدادی هستند و پیوسته برای تخریب نظام که بدیلی هم ندارد تلاش می ورزند. لیکن هیچ نمی دانند که اگر این بار ما ناکام شویم متیقن باشید ما دوباره به یک اشرف غنی دیگر نیاز خواهیم داشت.

با حرمت ظریف امین یار کلیفورنیا – ایلات متحده امریکا

به امید افغانستان غنی، مستقل، خودکفا و مقتدر

*** * **

با سپاس و تشکر از دعوت مدیا ۲۴

ایدیوئور: ولی احمد نوری

